خارج فقه جلسه 32 - شرایط وضو – 25/08/1401

موضوع: (شرایط آب وضو - ادله اشتراط طهارت مواضع وضو - اشکالات - نظر استاد)

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

مرحوم شیخ یوسف بحرانی در حدائق الناظره دلایلی ذکر کردند که اگر کسی نسبت به نجاست آب وضو جاهل بود و وضو گرفت و نماز خواند این نماز اعاده و قضا ندارد:

دلیل اول: در روایات به‌صورت قاعده طهارت وارد شده که در صورت جهل به نجاست، نجاست منتفی است مثل اینکه این آب اصلاً نجس نیست مثل «روایت الماء کله طاهر حتی یعلم أنه قذر»[[1]](#footnote-1) یا «کل شیء نظیف حتی تعلم انه قذر فاذا علمت فقد قذر و ما لم تعلم فلیس علیک»[[2]](#footnote-2) که این دو روایت نجاسات را از اعتبارات شرعیه می‌داند و شارع نجاسات را در صورتی نجس می‌داند که علم به نجاست داشته باشید اما اگر جاهل بودید از نظر شرع مقدس آن نجاست نجس نیست.

اشکال استاد: این دو روایت اشاره به حکم ظاهری دارد نه واقعی یعنی نمی‌خواهد بگوید واقعاً این نجاست، نجس نیست بلکه مادامی‌که جاهل به نجاست هستید به‌حسب ظاهر نجس نیست. چون اگر معنایش این باشد که به‌حسب واقع نجس نیست اجتماع دو حکم متضاد لازم می‌آید لذا این عناوین نجاسات مثل عقود و ایقاعات نیست چون آن‌ها از امور اعتباریه­اند اما این عناوین نجاست از صفات واقعی و حقیقی است چون از صفات واقعی است محکومٌ­به علم است که اگر علم بود باید دوری کرد اما اگر جهل دارید نیاز به دوری کردن نیست لذا کسانی که در داخل وقت عالم به نجاست شدند تکلیف ظاهری آن‌ها از بین رفته و باید عمل به تکلیف واقعی کنند.

دلیل دوم: در روایات است که جاهل معذور است و عقاب نمی‌شود مثلاً اگر کسی مُحرِم است و در حال احرام لباس را در نیاورد و یا فراموش کرد مثلاً لباس خیاطی شده بود یا جهل به مسئله داشت که لباس مخطوط نباید پوشیده شود امام باقر علیه‌السلام فرمودند کفاره ندارد ولا شیء علیه که از این روایات استفاده می‌شود که هم احکام وضعیه و تکلیفیه از گردن جاهل برداشته شده که اعاده و قضا از احکام وضعیه است.

اشکال استاد: اعاده و قضا از آثار جهل نیست تا روایاتِ معذوریتِ جاهل شامل آن بشود بلکه از آثار وضعی واجب فوت شده است و آن روایات معذوریت جاهل که در حدائق نقل شده از آثار جهل است که یکی از آثار جهل کفاره در حال احرام است که امام فرمودند کفاره ندارد یا دیگر از آثار جهل حد و تعزیر است که جاهل حد و تعزیر ندارد یا دیگر از آثار جاهل رفع حرمت ابدی در ازدواج در عده است پس معذوریت جاهل آثار خودش را دارد که این آثار فوق را بر می‌دارد اما اعاده و قضا را بر‌نمی‌دارد.

اما مورد دوم بحث اشتراط طهارت مواضع وضو است که فقد استدل علیه بوجوه:

وجه اول: قیاس وضو به غسل جنابت است چون فقها درباره غسل جنابت فرمودند که قبل از شروع در غسل اعضای نجس را بشوید اتفاقاً در این زمینه روایاتی وجود دارد[[3]](#footnote-3) پس در وضو هم باید قبل از وضو جاهای نجس را شست.

اشکال استاد: این قیاس مع الفارق است چون غسل رافع حدث اکبر و وضو رافع حدث اصغر است و وحدت ملاکی نیست تا با همدیگر قیاس شوند.

وجه دوم: هنگام وضو آب متنجس می‌شود به مجرد اینکه آب وضو بر موضع نحس ریخته شود لذا وضو باطل می‌شود چون طهارت آب وضو شرط است.

اشکال استاد: وضو یا به آب قلیل است یا آب کر که اگر با آب قلیل باشد درباره غساله آن سه نظریه است: نظر اول که مطلقا غساله پاک است چه غساله اول و دوم و سوم، نظر دوم که غساله دوم و سوم پاک است و نظر سوم که غساله بعد از انفصال نجس است که در هر سه صورت ربطی به موضع وضو ندارد که اگر موضع وضو نجس باشد علی فرض اینکه غساله­اش هم نجس باشد آب‌های بعدی که روی آن می‌آید نجس نیست و اگر به آب جاری یا کر باشد اصلاً وجهی برای بطلان نیست چون به‌محض رسیدن آب به دست پاک است.

وجه سوم: اصالة عدم تداخل سببین جاری است که سبب اول رفع خبث و دوم رفع حدث که نباید این دو سبب تداخل داشته باشند و لذا با وضو گرفتن تداخل می‌شود که با وضو هر دو انجام می‌شود که تداخل سببین جایز نیست لذا باید دو غسله جدا انجام شود که یک‌بار برای رفع خبث و غسله دوم برای رفع حدث باشد.

اشکال استاد: دلیلی برای جریان چنین اصلی وجود ندارد و برفرض معتبر بودن چون رفع حدث عنوان قصدی است که تا نیت وضو نشود وضو محقق نمی‌شود اما رفع خبث نیاز به نیت ندارد و قهری است که چه نیت بشود و چه نشود رفع خبث حاصل می‌شود مثل شستن لباس نجس و در تداخل هر دو سبب باید قصدی باشند نه اینکه یکی قهری و دیگری قصدی باشد. لذا آنچه در متن سید است از نظر ما مخدوش است که ایشان می‌فرماید یک‌بار شستن به قصد ازاله خبث و وضو کافی نیست بلکه ما می‌گوییم کافی است چون وضو قصدی و ازاله قهری است و دیگر اینکه که اگر به نیت وضو دست در آب جاری فرو کرد به نظر ما ازله انجام شده است و دیگر فرمودند که وقتی دست را بیرون می‌آورد یا داخل می‌کند باید نیت ازاله کند ما می­گوییم برای ازاله قصد نیاز نیست.

نظر استاد: ازاله عنوان قصدی نیست و رفع حدث عنوان قصدی است و همان وضو که قصد شود ازاله هم در ضمن آن انجام می‌شود

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

1. وسائل ج ۱ ص ۱۰۰ ح ۵ [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل ج ۲ ص ۱۰۵۴ ح ۴ [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل ابواب جنابت باب ۲۶ [↑](#footnote-ref-3)